

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



سرشناسه : سبحانی تبریزی، جعفر، ۱۳۰۸ -
عنوان و نام پدیدآور : وهابیت چگونه پدید آمد؟/ نویسنده محمدجعفر سبحانی؛
برای آستان قدس رضوی، معاونت تبلیغات و ارتباطات اسلامی.
مشخصات نشر : مشهد: انتشارات قدس رضوی، ۱۳۹۱.
فروست : رهنما؛ ۴.
شابک : 978-600-299-015-0
وضعیت فهرست نویسی : فیبا
موضوع : وهابیه
شناسه افزوده : آستان قدس رضوی، معاونت تبلیغات و ارتباطات اسلامی
شناسه افزوده : موسسه انتشاراتی قدس رضوی
رده بندی کنگره : VBP/۳۰۷۱۶/۱۳۹۱۶ و ۸۵ و ۲ اس
رده بندی دیویی : ۴۱۶/۳۹۷
شماره کتابشناسی ملی : ۲۸۸۳۲۱۷



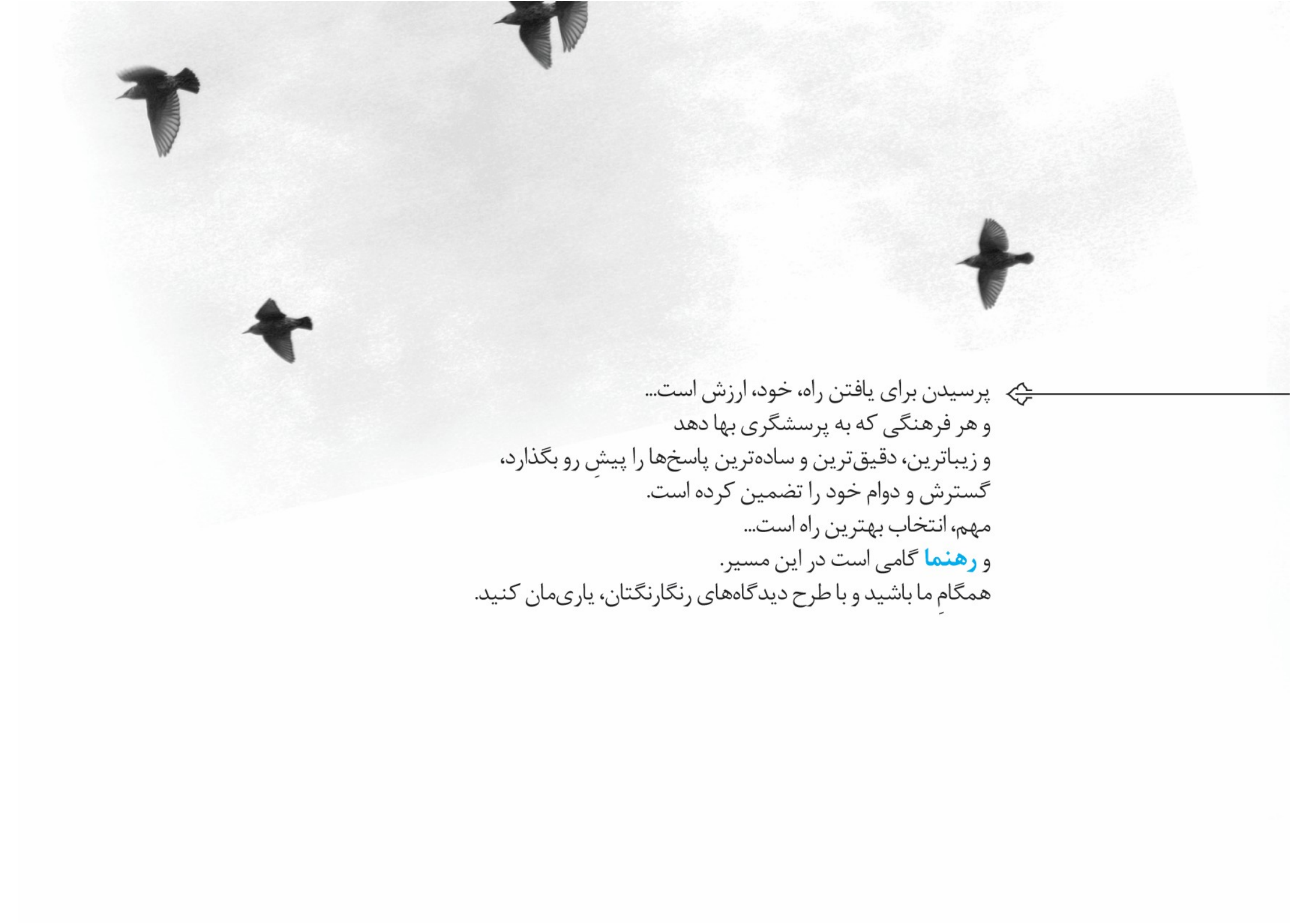
رهنما

۴ → وهابیت چگونه پدید آمد؟

نویسنده: آیت الله جعفر سبحانی
آستان قدس رضوی
چاپ هشتم: تابستان ۱۳۹۱ (ویرایش جدید)
معاونت تبلیغات و ارتباطات اسلامی
نشانی: حرم مطهر امام رضا (ع)، اداره پاسخ گویی به سؤالات دینی
تلفن: ۰۵۱۱-۳۲۰۲۰ دورنگار: ۰۵۱۱-۲۲۴۰۶۰۲ rahnama@aqrazavi.org

به کوشش محمدحسین پورامینی
ویراستار: محمدمهدی باقری
طراح لوگوی رهنما: مسعود نجابتی





پرسیدن برای یافتن راه، خود، ارزش است...
و هر فرهنگی که به پرسشگری بها دهد
و زیباترین، دقیق‌ترین و ساده‌ترین پاسخ‌ها را پیش‌رو بگذارد،
گسترش و دوام خود را تضمین کرده است.
مهم، انتخاب بهترین راه است...
و **ره‌نما** گامی است در این مسیر.
همگام ما باشید و با طرح دیدگاه‌های رنگارنگتان، یاری‌مان کنید.





وهابیت چگونه پدید آمد؟

پاسخ به پرسش‌های زیر انگیزه قلم‌زدن و انتشار این کتابچه است:

۱. وهابیت در چه زمانی پدید آمد؟
۲. علت پیدایش وهابیت چیست؟
۳. بنیان‌گذار مسلک ساختگی وهابیت چه کسی بوده و چه افکاری داشت؟
۴. مسلک ساختگی وهابیت دارای چه اعتقاداتی است؟

بيت الحكمة



۱. تفرقه‌افکنی در آغاز قرن هشتم

احمد بن تیمیه در سال ۶۶۱ق، یعنی پنج سال پس از سقوط خلافت عباسی، در شهر حرّان دیده به جهان گشود. او در پایان قرن هفتم و آغاز قرن هشتم تفرقه افکنی را آغاز کرد. بدین گونه که در رساله *العقيدة الحمويه*، در پاسخ به پرسش مردم حماه از آیه *﴿الرَّحْمَنُ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى﴾*، به صراحت نوشت: «خدا بالای آسمان هاست؛ در ثلث آخر هر شب، به آسمان پایین فرود می آید و می گوید: کیست که مرا بخواند تا او را پاسخ گویم.»^۱

به سبب انتشار این عقیده که نتیجه آن، جسمانی بودن، جهت داشتن، حرکت کردن و انتقال خدا از مکانی به مکان دیگر است، گروهی از عالمان که نشر رساله *حمويه* را مغایر با عقیده اسلامی تشخیص داده بودند، به مخالفت با او برخاستند و از قاضی دمشق خواستند که او را محاکمه کند.

ابن کثیر در تاریخ خود، *البدایة و النهایة*، دربارهٔ حوادث سال ۶۹۸ می نویسد: «گروهی از

۱. مجموع الرسائل الكبرى، رساله یازدهم: العقيدة الحمويه.

فقها ضد او قیام کردند و از جلال‌الدین حنفی خواستند که او را به محکمه بطلبد؛ ولی او از حضور خودداری کرد. ابن تیمیه را در دمشق، دارنده عقیده‌ای منحرف معرفی کردند؛ ولی او در نشر عقیده خود پافشاری می‌کرد. رساله دیگرش، *الواسطیه*، نیز انحرافات داشت. سرانجام، کمال‌الدین زملکانی طی چند جلسه، با او به بحث و گفت‌وگو نشست و محکومش ساخت. نتیجه این شد که ابن تیمیه را در سال ۷۰۵ به مصر تبعید و در آنجا زندانی کردند.^۱ این، تنها باری نبود که وی، به تبعید و زندان محکوم شد؛ بلکه بارها این راه را پیمود، تا اینکه در سال ۷۲۸، در زندان جان سپرد.

۱-۱ تفرقه‌افکنی در دشوارترین موقعیت

حدود چهار قرن، برای جهان اسلام، سخت‌ترین دوران بود. ابن تیمیه عقیده خود را درباره

۱. *البدایة و النهایة*، ج ۱۴، ص ۴.



صفات خبری، مانند استوای (ایستادن) خدا، یدالله و عین‌الله هنگامی ابراز کرد که مسلمانان، جنگ صلیبی را در سال ۶۹۰ پشت سر نهاده و با میلیون‌ها کشته و مجروح و آواره، روبه‌رو بودند. غازان‌خان، پادشاه مشهور ایلخانی، نیز در صدد فتح شام و مصر بود.

در چنین زمان حساسی بود که وی افکار خود را نشر داد و عالمان و فقیهان را ضدّ خود، شوراند. با اینکه ابن‌کثیر، شاگرد مکتب اوست و آشکارا از وی طرفداری می‌کند، نتوانسته است بر حقایق پرده افکند و اتفاق عالمان را بر انحراف او نادیده بگیرد. در طول تاریخ، شخصیت‌های بزرگی از اهل سنت، در نقد عقاید وی کتاب نوشته یا با او مناظره کرده‌اند که متن مناظره‌هایشان در کتاب‌های تاریخی محفوظ است. اسامی برخی از این گروه، از این‌قرار است: شیخ صفی‌الدین هندی ارموی (۶۴۴ تا ۷۱۵)؛ شمس‌الدین محمد بن احمد ذهبی (۷۴۸)؛ شهاب‌الدین یوسف احمد بن حجر عسقلانی (۸۵۲)؛ شهاب‌الدین بن حجر هیتمی (۹۷۳)؛ ملا علی قاری حمقی (۱۰۱۶)؛

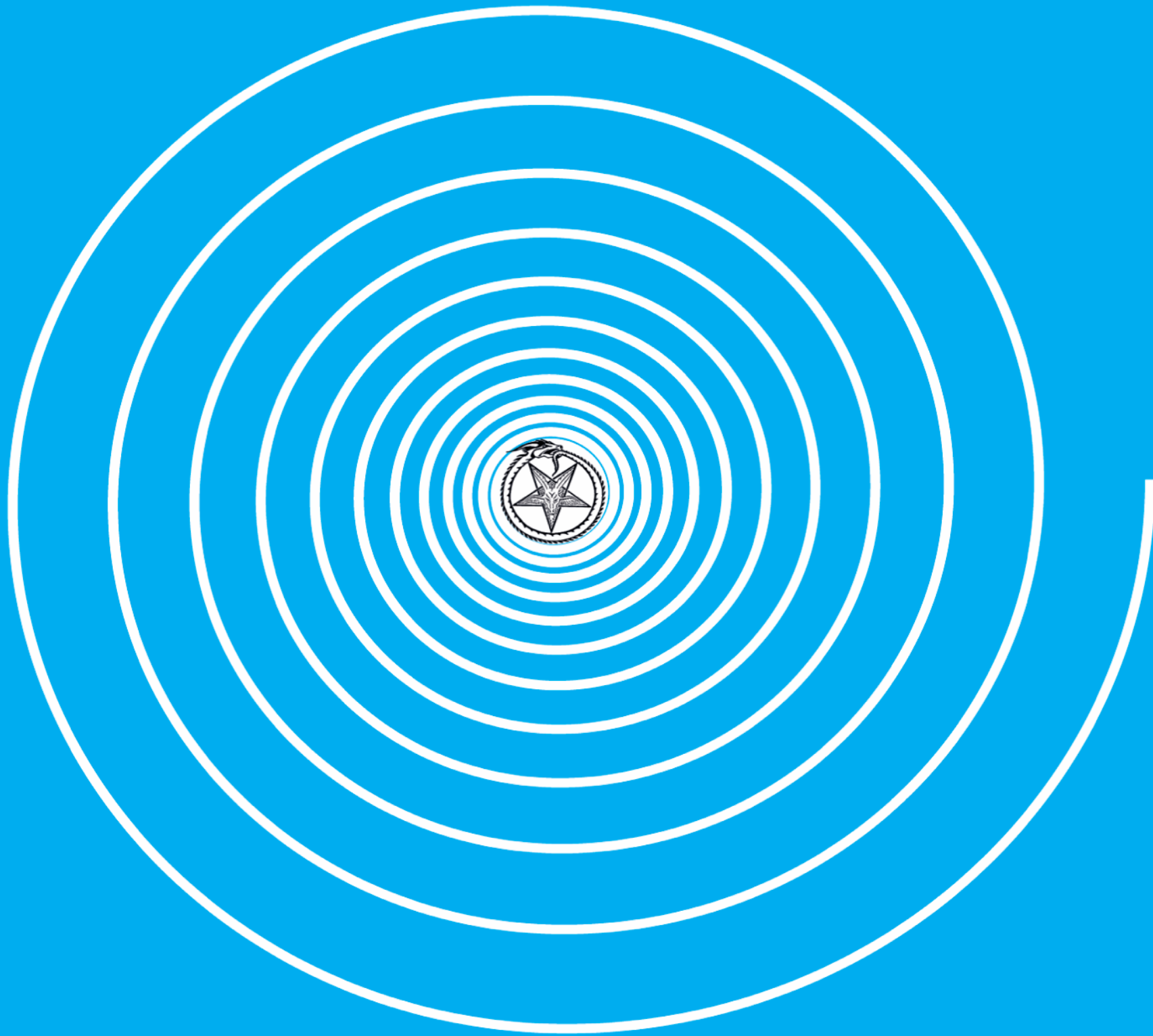
یوسف بن اسماعیل بن یوسف نبهانی (۱۲۶۵ تا ۱۳۵۰)؛ شیخ محمد ابوزهره (۱۳۱۶ تا ۱۳۹۶).^۱

ابن بطوطه، جهانگرد قرن هشتم، می‌نویسد که ابن تیمیه روز جمعه در یکی از مساجد، مشغول وعظ بود. از جمله گفتار او چنین بود: «خداوند [از عرش] به آسمان نخست فرود می‌آید؛ مانند فرود آمدن من از منبر.» این سخن را بگفت و یک پله از منبر پایین آمد. در این هنگام فقیهی مالکی، به نام ابن الزهراء، به مقابله برخاست و سخن او را رد کرد. مردم به طرفداری از ابن تیمیه برخاستند و فقیه معترض را با مشت و کفش زدند.^۲

این نمونه‌ای از عقاید اوست که شاهد عینی کاملاً بی‌طرف، با گوش خود شنیده و با چشم خود دیده است. هرگاه مردی با چنین پایه‌ای از درایت و آگاهی از عقاید و معارف، به چنین تحلیل‌هایی بپردازد، باید از پیامدهای آن به خدا عز و جل پناه بُرد.

۱. ر.ک: جعفر سبحانی، بحوث فی الملل و النحل، ج ۴، ص ۳۷ تا ۵۰.

۲. ابن بطوطه، رحله، ص ۹۵ و ۹۶.



۲. دستاورد مکتب

اکنون که از موقعیت ابن تیمیه، نزد عالمانِ شام و مصر آگاهی یافتیم، شایسته است با خصوصیات مکتب او نیز آشنا شویم. در اینجا با بهره‌گیری از مثل معروف «درخت را باید از میوه‌اش شناخت»، یادآور می‌شویم که مکتب او را چهار ویژگی تشکیل می‌دهد:

۱-۲ دعوت به تجسیم

شعار مسلمانان در طول هفت قرن، برخلاف یهود، تنزیه و پیراستگی خدا عز و جل از جسم و جسمانیت بود؛ اما ابن تیمیه با ترفند خاصی، مسلمانان را به تجسیم دعوت می‌کند و خدا عز و جل را بر سریری به نام عرش می‌نشانند تا از آن نقطه بلند، بر جهان بنگرد. نیز، گاهی او را به آسمان پایین، فرود می‌آورد! او دربارهٔ صفات خبری، مانند استوا (ایستادن)، ید، عین، وجه و مانند آن‌ها، معتقد است: «خدا عز و جل واقعاً دست و چشم و صورت دارد؛ چیزی که هست، چگونگی آن برای ما روشن نیست.»

ابن تیمیه جملهٔ اخیر را مسلماً به سبب فرار از اتهام به «تجسیم» ذکر می‌کند؛ ولی سودی

به حال او نمی‌بخشد؛ زیرا خدایی که بر سریر می‌نشیند، حرکت می‌کند و با دستش آدم می‌آفریند، خدای جسمانی خواهد بود؛ هر چند چگونگی آن برای ما معلوم نباشد؛ مگر این کلمات را کنایه از یک‌رشته معانی بداند که در این صورت، دیگر در معانی لغوی، آن‌طور که وی مدعی است، به کار نخواهد رفت.

۲-۲ کاستن از مقام انبیا و اولیای الهی

در مکتب ابن تیمیه، پیامبران و اولیای الهی، انسان‌هایی هستند که کمالات و مقاماتشان با مرگشان پایان می‌یابد. از این رو، وی زیارت و توسل به آنان را بدعت و کاری غیر سودمند می‌شمارد.

۲-۳ تکفیر مسلمانان

ابن تیمیه، مسلمانان را به سبب توسل به اولیای الهی تکفیر کرد و از این طریق، نوعی دو دستگی

در میان آنان پدید آورد؛ اما خوشبختانه بر اثر تلاش عالمان زمان، با مرگ او، مکتب او نیز مُرد و جز چند نفر از دست پرورده‌هایش، دیگر کسی از او یاد نکرد.

۴-۲ بی‌احترامی به خاندان رسالت

در سراسر نوشته‌های ابن تیمیه، نوعی دشمنی با خاندان رسالت به چشم می‌خورد. او پیوسته می‌کوشد تا فضایل امام علی علیه السلام را منکر شود و گاهی او را به خطا در اندیشه و رفتار متهم سازد؛ تا آنجا که در هفده مسئله، به امام علی علیه السلام انتقاد می‌کند.^۱

این چهار ویژگی عمومی مکتب اوست که می‌تواند ما را با واقعیت مکتب و طرز تفکر او آشنا سازد.^۲

۱. ابن حجر، الدرر الكامنه، ج ۱، ص ۱۵۴؛ به نقل از نجم‌الدین طوفی، متوفای ۷۱۰ ق.
 ۲. ر.ک: ابن تیمیه، منهاج السنه.

٣. محمد بن عبدالوهاب



افکار ابن تیمیه را از همان روزهای نخست، دانشمندان در بوته نقد قرار دادند و نقدهای اُستوارِ عالمان شامی و مصری، مکتب او را منزوی و مطرود ساخت؛ ولی پس از حدود سه قرن ونیم، شخصی به نام محمدبن عبدالوهاب، مکتب او را از انزوا درآورد و با قوه شمشیر، به نشر آن پرداخت.

متأسفانه، طرح مجدد افکار ابن تیمیه از سوی محمدبن عبدالوهاب، همچون طرح آن توسط خودِ ابن تیمیه، زمانی انجام گرفت که جهان اسلام در بدترین وضعیت تاریخی به سر می بُرد: اروپا خود را آماده می کرد که کشورهای اسلامی را مستعمره خود سازد و کشور هند، با زور و تزویر، از دست مسلمانان خارج شد و ارتش انگلستان بر آن شبه قاره حکومت می کرد.

محمدبن عبدالوهاب، به پشتیبانی سران قبایل نجد، به مناطق مسلمان نشین حجاز، عراق، سوریه و یمن حمله کرد و اموال آنان را به عنوان غنایم جنگی، غارت کرد و از این راه، به بازار تجارت نجدیان رونق بخشید. آنان پس از قتل و خونریزی، اموال و احشام مسلمانان را همراه



خود به نجد بردند. یک پنجم این اموال متعلق به محمد بن عبدالوهاب و باقی مانده، در اختیار سران قبایل و مجاهدان قرار گرفت.

وهابیان، در طول تاریخ، یک بار هم با کافران جنگ نکرده‌اند و تمام نبردهای آنان با مسلمانان منطقه بود! کشتار مسلمانان به دست وهابیان در مکان‌های مقدس کربلا و نجف، صفحه تاریخ را سیاه کرد. صلاح‌الدین مختار، که از نویسندگان وهابی است، می‌نویسد:

«در سال ۱۲۱۶ق، امیر سعود با قشون بسیار، متشکل از مردم نجد و عشایر جنوب و حجاز و تهامه و دیگر نقاط، به قصد عراق حرکت کرد. وی در ذیقعه به شهر کربلا رسید و آنجا را محاصره کرد. سپاهش بُرج و باروی شهر را خراب کردند و به زور، وارد شهر شدند و بیشتر مردم را که در کوچه و بازار و خانه‌ها بودند، به قتل رساندند؛ سپس نزدیک ظهر، با اموال و غنایم فراوان، از شهر خارج شدند و در کنار آبی به نام اَبیض گرد آمدند. خمس اموال غارت‌شده را خود سعود برداشت و

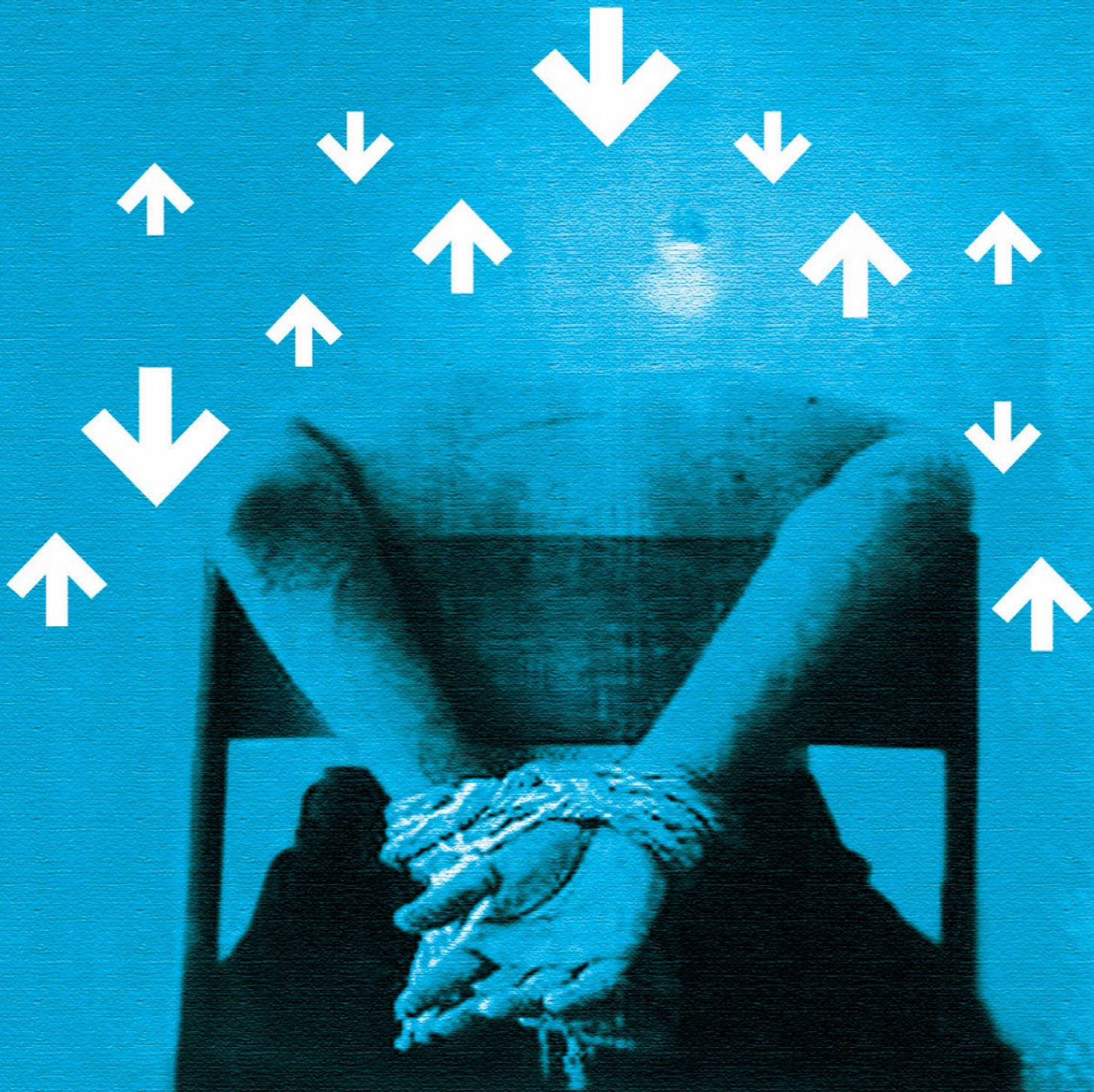
بقیه را به نسبت هر پیاده یک سهم و هر سواره دو سهم، میان مهاجمان تقسیم کردند.»^۱

ابن بشر، مورخ نجدی، درباره حمله وهابیان به نجف می‌نویسد:

«در سال ۱۲۲۰، سعود با سپاهی انبوه از نجد و اطراف آن، به بیرون مشهد معروف در عراق [یعنی نجف] فرود آمد و سپاه خود را در اطراف شهر پراکنده ساخت. سپس، دستور داد باروی شهر را خراب کنند؛ ولی سپاه او زمانی که به شهر نزدیک شدند، به خندق عریض و عمیقی برخوردند که امکان عبور از آن، وجود نداشت. در جنگی که میان دو طرف رخ داد، بر اثر تیراندازی از باروهای شهر، جمعی از سپاهیان سعود کشته شدند و بقیه آنها از گرد شهر، عقب نشستند و روستاهای اطراف را غارت کردند.»^۲

۱. تاریخ المملكة العربية السعودية، ج ۳، ص ۷۳.

۲. عنوان المجد فی تاریخ نجد، ج ۱، ص ۳۳۷.



عبرتها



به تصدیق تاریخ‌نگاران، آیین وهابیت، مَسَلکی ساختگی است که هیچ پیشینه تاریخی در عصر صحابه، تابعان و سه قرن نخست که از نظر اهل سنت، خیرالقرون است، ندارد. تخم آن در اوایل قرن هشتم، پاشیده شد و به صورت ماده خام در لابه‌لای کتاب‌ها ماند؛ تا اینکه محمدبن عبدالوهاب، آن را احیا کرد و گسترش داد.

با اینکه احمدبن تیمیه از نظر فضل و دانش و قدرت قلم، با محمدبن عبدالوهاب مقایسه کردنی نبود، مکتبش در زمان او اصلاً رشد نکرد و با مرگ او نیز مُرد؛ در حالی که همین مکتب نیمه‌جان را محمدبن عبدالوهاب رشد داد؛ تاحدی که بخش شرقی عربستان را فراگرفت. پس از فروپاشی عثمانی‌ها، حرمین شریفین در اختیار وهابیان قرار گرفت و بزرگ‌ترین پایگاه تبلیغی را تصاحب کردند؛ تا آنجا که زائر خانه خدا باید از نظر عقیدتی و رفتاری، تابع مکتب وهابی و فقه حنبلی باشد.

اکنون پرسش این است که علت آن ناکامی و رمز این موفقیت چیست؟

در پاسخ می‌گوییم دو عنصر مکان و زمان در این دو نتیجه‌گیری مؤثر بوده است: ابن تیمیه افکار شاذّ خود را در محیطی مطرح کرد که عالمان بزرگی در شام و مصر، در سنگر دفاع از عقیده و شریعت قرار داشتند و با حضور در مناظره‌های علمی، مُشت او را باز کردند و او دیگر نتوانست در اذهان عموم مردم تأثیر بگذارد. اگر هم اثری داشت، از جنبه عاطفی بود، نه مکتبی؛ زیرا زندانی شدنِ یک روحانی، عواطف عوام را تحریک می‌کند.

حال آنکه مروج مکتب او، اندیشه به‌ظاهر توحیدی را در میان عرب‌های بدوی و بیابانی دور از علم و فرهنگ مطرح کرد و توانست از سادگی آنان، کمال استفاده را بکند. به‌خصوص، آنجا که عمل مسلمانان را به عمل بت‌پرستان تشبیه کرد و از این طریق، روح جهادگری را در آنان که توأم با وسوسه غنایم نیز بود، احیا کرد.

نسخه دیجیتال رهنا

مرکز پخش: مشهد مقدس، نیش ورودی باب الجواد علیه السلام
فروشگاه عرضه محصولات رضوی
تلفن: ۰۵۱۱-۲۲۸۵۲۰۴



This document was created with Win2PDF available at <http://www.daneprairie.com>.
The unregistered version of Win2PDF is for evaluation or non-commercial use only.